

Preventing Violation of Ethics and Abuse of Family Rights in Common Law

M. Mesbah¹, A. Nasehi Ph.D.^{2*}, E. Taghizadeh Ph.D.², R. Abaft Ph.D.²

1. Ph.D. Student in Private law, Payam Noor University, Tehran.

2. Department of Private Law, Payam Noor University, Tehran.

Abstract

Background: Just as the laws determine the external limits of the right, the internal limits and the method of its implementation are also determined by other principles, which interpret the violation of these limits as "abuse of the right". The issue of abuse of rights in the common law is vague and confusing to the extent that even some legal writers believe that the mentioned legal system did not recognize the abuse of rights, but in general it can be said that in the opinion of the judges and legal writers of this system. Legally, the main rule is intent to harm, but this rule is not expressed in the same way. Sometimes it is stated under the title of "conspiracy", sometimes "threat" and sometimes under titles like these. In this research, using a descriptive-analytical method, an attempt has been made to investigate the cases of preventing the violation of ethics in family law and the abuse of family rights in common law.

Conclusion: In this research, while examining such things as; Divorce in common law, executive guarantee of alimony payment, determination of family residence and custody in common law, it was concluded that in common law cases of abuse of rights in family law, considering the relative equality of men and women in Rules rarely happen; However, the physical and mental condition of women is not paid much attention in the common laws and in some cases, instead of giving value to women, it is possible to violate their human rights.

Key words: Ethics, Family law, Common law, Abuse of rights

***Corresponding Author:** Nasehi A. Department of Private Law, Payam Noor University, Tehran. Email: nasehia742@gmail.com

How to cite: Mesbah M, Nasehi M, Taghizadeh E, Abaft R. Preventing violation of ethics and abuse of family rights in common law. Ethics in Science and Technology. 2025,19(4): 40-48.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

جلوگیری از نقض اخلاق و سوء استفاده از حقوق خانواده در نظام حقوقی کامن‌لا

میثم مصباح^۱، دکتر علی ناصحی^{۲*}، دکتر ابراهیم تقی زاده^۲، دکتر رسول ابافت^۲

۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران.

۲. گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴)

چکیده

زمینه: همانگونه که حدود خارجی حق را، قوانین معین می‌کند، حدود داخلی و شیوه اجرای آن را نیز اصول دیگری مقرر می‌دارد که تجاوز از این حدود را «سوء استفاده از حق» تعبیر می‌کنند. مسئله سوء استفاده از حق در کامن‌لا مبهم و مغشوش است تا آنجا که حتی بعضی از نویسندگان حقوقی عقیده دارند که نظام حقوقی مزبور سوء استفاده از حق را نشناخته است ولی به طور کلی می‌توان گفت که در نظر قضات و نویسندگان حقوقی این نظام حقوقی، ضابطه اصلی قصد اضرار است ولی این ضابطه به یک شکل و صورت بیان نشده است. گاهی تحت عنوان «توطئه»، گاهی «تهدید» و پاره‌ای اوقات تحت عناوینی نظیر اینها بیان شده است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی موارد جلوگیری از زیر پا گذاشتن اخلاق در حقوق خانواده و سوء استفاده از حقوق خانواده در حقوق کامن‌لا شده است.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش ضمن بررسی مواردی چون؛ طلاق در حقوق کامن‌لا، ضمانت اجرایی پرداخت نفقه، تعیین محل سکونت خانواده و ضمانت در حقوق کامن‌لا این نتیجه حاصل گردید که در حقوق کامن‌لا موارد سوء استفاده از حق در حقوق خانواده با توجه به تساوی نسبی زن و مرد در قوانین به ندرت اتفاق می‌افتد؛ با این حال در قوانین کامن‌لا چندان به وضعیت جسمی و روحی زنان توجه نشده و در برخی موارد به جای بها دادن به زنان امکان پایمال ساختن حقوق انسانی آن‌ها را فراهم گردیده است.

کلید واژگان: اخلاق، حقوق خانواده، کامن‌لا، سوء استفاده از حق

سرآغاز

پیش از سده اخیر، بسیاری از نویسندگان اروپایی می‌پنداشتند که حق داشتن با تقصیر جمع نمی‌شود به این معنی که اگر کسی حق خود را اعمال کند، هر چند که در راه اجرای آن به دیگری خسارت بزند، خطا کار و مسئول به حساب نمی‌آید. ولی از آغاز قرن بیستم، نظرها تغییر کرد: نویسندگان پذیرفتند که مفاد هر حق کم و بیش به مبانی اجتماعی آن محدود می‌شود. هیچ حقی، به گونه‌ای که پیشینیان می‌پنداشتند، مطلق نیست و صاحب آن نمی‌تواند وجود حق را وسیله‌ی ضرر زدن به دیگری قرار دهد یا آن را به شیوه‌ای به کار برد که غیر اخلاقی یا در دید عرف ناهنجار به نظر آید. با توجه به مطالب گفته شده؛ باید معیاری را به دست داد که شناسایی سوء استفاده از حق با آن میسر گردد. به تعبیر دیگر، برای تحقق سوء استفاده از حق آیا قصد و نیت سوء دارند و اعمال کننده حق ضروری است یا ایراد خسارت به شخص دیگر را باید ضابطه تلقی نمود؟ آیا رفتار اعمال کننده‌ی حق را باید با رفتار انسانی عاقل و محتاط مورد ارزیابی قرار داد یا باید اهداف اجتماعی حق را ملاک دانست؟ یعنی اگر با اعمال حق، غایت آن تأمین نشود، باید آن را سوء استفاده تلقی نمود؟

همین که نکاح^۱ به طور صحت واقع شد، روابط زوجین بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود. گاه یکی از طرفین به جهت امتیاز و موقعیتی که حقوق حاکم بر جامعه به او بخشیده است از وضعیت خود به ضرر دیگری بهره می‌جوید، یعنی از حق خویش سوء استفاده می‌کند و در این راستا ضرری ناروا به طرف مقابل وارد می‌آید که این امر شاید از نظر حقوقی مجاز باشد اما از نظر وجدانی و اخلاقی ناپسند و ناروا است (۱). پذیرش این امر که حق مطلق^۲ است مغایر با اخلاق^۳ است. ملت‌های قدیم حتی ملل متمدن اروپایی، متأثر از افکار فرد گرایان اصولاً حق را مطلق می‌پنداشتند و معتقد بودند وقتی کسی در محدوده‌ی حق خود اقدام می‌کند قابل مؤاخذه نیست حتی اگر به دیگران آسیب رساند نمی‌توان او را مسئول دانست و اساساً حق را قابل سوء استفاده نمی‌دانستند ولی به مرور پذیرفتند که حق مطلق نیست و قابلیت سوء استفاده را دارد.

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی : nasehia742@gmail.com

در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی موارد جلوگیری از زیر پا گذاشتن اخلاق در حقوق خانواده و سوء استفاده از حقوق خانواده^۴ در حقوق کامن‌لا^۵ شد.

بحث

سوء استفاده از حق

در تعریف «سوء استفاده از حق»^۶، به سان هر تعریف دیگری اختلاف نظر و تنوع وجود دارد. در حالی که تعریف زیر مورد قبول برخی از حقوقدانان قرار گرفته است. «همانگونه که حدود خارجی حق را، قوانین معین می کند، حدود داخلی و شیوه اجرای آن را نیز اصول دیگری مقرر می دارد که تجاوز از این حدود را «سوء استفاده از حق» می نامیم»^(۲). برخی دیگر، ضمن اینکه از این عبارت تعبیر «تجاوز از حق» نموده‌اند، در تعریف سوء استفاده از حق آن را به شکل زیر تعریف کرده‌اند: «وارد ساختن ضرر به دیگری در اجرای حق»^(۳). بر طبق نظری دیگر که رپر فرانسوی از مشهورترین پیروان آن است، سوء استفاده از حق به موردی گفته می شود که شخص کار مباحی را در گستره حد خویش انجام دهد، ولی هدف آن اضرار به دیگران است نه دفع احتیاج و نه دفع ضرر از خود، یعنی تقصیر عمدی سبب مسؤولیت صاحب حق است^(۴). مسئله سوء استفاده از حق در کامن لا مبهم و مغشوش است^(۴)، تا آنجا که حتی بعضی از نویسندگان حقوقی عقیده دارند که نظام حقوقی مزبور سوء استفاده از حق را نشناخته است در این حقوق پاره‌ای مفاهیم وجود دارد که با توسل به آنها دادگاه‌های کامن لا بعضی از مسائل سوء استفاده از حق را حل نموده‌اند از جمله این مفاهیم و نظرات «نظریه تقلب»^۷ است در کامن لا منع تقلب بعنوان معیار سنجش همه اعمال حقوقی است و تقلب چه صریح و چه ضمنی باعث مخدوش گردیدن اعمال حقوقی می‌گردد حتی کتمان یک واقعیت نیز می تواند تقلب تلقی شود^(۵). اما نظریه سوء استفاده از حق به شکلی که در سیستم حقوق نوشته وجود دارد در کامن لا نیست و شاید هرگز نیز بوجود نیاید^(۵) زیرا این نظام حقوقی اصولاً با قواعد و اصول کلی حقوق بیگانه بوده و همواره مبتنی بر چاره اندیشی‌های موضعی است. همچنین نتیجه بررسی‌های مختلف از جستجوی معیار سوء استفاده از حق در کامن لا این است که در حقوق مزبور هیچ معیار مشخصی برای سوء استفاده از حق وجود ندارد^(۶و ۷). بررسی آراء نشان می دهد که دادگاه‌های انگلستان برای جلوگیری از سوء استفاده از حق به مفاهیم «توطئه»^(رای ۱۹۰۱ مجلس لردان) «سوء نیت»، «قصد اضرار»^(۸)، «اجبار» و «تهدید»^(دعوای بین M.T.A و W.F-motor trade association-ware freville) و نظایر آن متوسل شده اند اما یک ضابطه مشخصی در نظر نگرفته‌اند و از این مفاهیم نیز تعریف درستی بدست نداده‌اند. تلاش دادگاه‌های انگلستان بر این بوده که با توجه به هر مورد شرایط و اوضاع و احوال را بسنجد و چیزی را که بعنوان حق و عدالت تشخیص می‌دهد مستقر سازند. هر چند قصد اضرار در نظر اول بعنوان محور همه ضوابط مورد نظر قضات انگلیسی در سوء استفاده از

حق بنظر می‌رسد اما این معیار نیز نمی‌تواند بیان کننده همه نقطه نظرات دادگاه‌های انگلیس در این رابطه باشد زیرا قضات انگلیسی تصریح نموده اند که قصد اضرار در بعضی موارد عمل را نا مشروع می کند و در برخی موارد چنین اثری ندارد^(۸و ۹).

راهکارهای جلوگیری از نقض اخلاق و سوء استفاده از حقوق خانواده در حقوق کامن‌لا

در این مبحث در طی چهار گفتار مواردی در حقوق خانواده در حقوق کامن لا چون؛ طلاق^۹، ضمانت اجرایی پرداخت نفقه، تعیین محل سکونت و حضانت مورد بحث قرار می گیرد و شکل های مختلف سوء استفاده از حق در این موارد مورد بحث قرار می گیرد.

• طلاق در حقوق کامن‌لا

در حقوق کامن لا طلاق، حکمی است که توسط دادگاه صادر می‌شود و زن و مرد آن را به تساوی در اختیار می‌گیرند و هر یک از زن و مرد به تساوی باید موجبات طلاق را ثابت کنند تا حکم طلاق صادر شود. برای مثال در اینجا به قوانین طلاق در آمریکا که بر اساس حقوق کامن لا ساخته شده مورد توجه قرار گرفته و احتمال برخی سوء استفاده ها از قوانین آن مورد توجه قرار می گیرد.

در حقوق آمریکا که بر اساس کامن لا انگلیسی ساخته شده است تنظیم حقوق خانواده در صلاحیت قانونگذار ایالتی است، و قوانین بر حسب مقتضیات اجتماعی و گرایشهای محافظه کارانه یا اصلاح طلبانه هر ایالت وضع شده‌اند. در آمریکا نظریه «طلاق درمان»^{۱۱} پذیرفته شده است؛ به استثنای بعضی از ایالات (۷ ایالت) مانند نیویورک که هنوز علل مبتنی بر تقصیر تنها عللی است که قانونگذار برای طلاق شناخته است.

به عنوان مثال در ایالت کالیفرنیا، طلاق بدون توجه به تقصیر زن یا شوهر انجام می شود. با این همه ذکر علت طلاق و جدائی قانونی یکی از شرایط اساسی مراجعه به دادگاه بوده و حدود صلاحیت دادگاه را در رسیدگی به طلاق و آثار و عواقب مالی و غیر مالی آن معین می کند. علت طلاق ممکن است بیش از یک یا چند موضوع باشد. در حال حاضر «نه علت» برای انحلال و ابطال ازدواج و جدایی قانونی در ایالت کالیفرنیا وجود دارد^(۱۰)؛ جدایی قانونی به سبب اختلافات آشتی ناپذیر با تایید دادگاه، جنون لا علاج، ازدواج با محارم، ازدواج با وجود داشتن همسر، ابتلا به بیماری روانی^{۱۲}، نداشتن سرپرست قانونی^{۱۳}، تقلب و کلاهبرداری^{۱۴}، تهدید و ارباب، ناتوانی جنسی^{۱۵}

در ایالات دیگر نیز با دلایلی مشابه موارد ذکر شده می توان تقاضای انحلال ازدواج داد. بعنوان مثال در ایالت نیویورک، طلاق بدون تقصیر در صورتی پذیرفته می شود که زوجین توافقنامه ای در حضور یک وکیل رسمی دادگستری نوشته و امضا کنند، در ضمن باید به مدت یک سال جدا زندگی کرده باشند. دلایل «طلاق با تقصیر» در این ایالت شامل موارد^(۱۱):

۱- داشتن روابط نامشروع

۲- ترک خانواده به علت هوسرانی

۳- زندانی شدن به مدت سه سال متوالی

۴- رفتار خشن و وحشیانه

در ایالت ماساچوست عدم حمایت مالی از همسر در صورتیکه زوج قادر به حمایت کردن می باشد از دلایل طلاق با تقصیر محسوب می شود (۱۱).

• ضمانت اجرایی پرداخت نفقه در حقوق کامن لا

قواعد عرفی (کامن لا) در مورد نفقه‌ی زن نتیجه‌ی دگرترین وحدت شخصیت حقوقی بود و از این رو روش‌های اجرای این حق تا حد زیادی محدود و از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نبود. زیرا شخصیت زن و شوهر با ازدواج یکی می‌شد. زن که از اهلیت تملک مال و یا انعقاد قرارداد محروم بود نه می‌توانست مالک مایحتاج ابتدائی زندگی شود و نه قادر بود قرارداد الزام آوری را جهت خرید آنها منعقد نماید (۱۲). و بعلاوه امکان اقامه‌ی دعوی توسط یکی علیه دیگری از بابت نفقه در محاکم کامن لا وجود نداشت.

بعد ها دو اصل کلی در حقوق عرفی شکل گرفت. یکی از آنها الزام مرد زن دار در تامین حداقل مایحتاج زندگی بود؛ اما زن شوهر دار تحت هیچ شرایطی مسئول نفقه شوهرش قلمداد نمی‌شد. بعلاوه قاعده‌ی عرفی که براساس آن هیچ یک از زوجین نمی‌توانست دیگری را تحت تعقیب قرار دهد، موجب می‌گردید تا در صورت امتناع شوهر از تامین نفقه، زن نتواند علیه وی اقامه‌ی دعوی نماید. لذا برای غلبه بر این مشکل، به زن اختیار داده شد تا در صورت امتناع شوهر از انجام وظیفه‌ی خویش، به اعتبار وی ایجاد تعهد نماید که از آن تحت عنوان نمایندگی در مایحتاج زندگی یاد می‌شود. به این ترتیب، مادام که زن از حق نفقه مقرر در کامن لا برخوردار بود، نمایندگی به قوت خود باقی می‌ماند و مغازه دار در صورتی که اطمینان می‌یافت که زن از حق نفقه محروم نشده است، زن می‌توانست بدین حق استناد کرده و همین کافی بود تا به حق خود در برابر شوهر برسد و شخصا اقدام به خرید ضروریات زندگی از قبیل غذا و لباس و یا تامین خدمات لازم از قبیل بهداشت و درمان نماید (۱۲) و فرض بر این بود که وی نمایندگی شوهرش را در خرید و تامین این مایحتاج داراست. نمایندگی زن در خرید مایحتاج زندگی به حدی که متناسب با وضع زندگی شان قبل از این وضعیت بود، محدود می‌شد و شوهر نمی‌توانست وی را از گرو گذاری اعتبارش محروم سازد و یا کسبه و تجار را از تحویل کالا و لوازم به ترتیب فوق، ممنوع نماید (۱۳). در حقوق انگلیس زوجه نه تنها حق اداره‌ی اموال اموال شخصی خود را دارد، بلکه آنچه را که در دوران ازدواج بدست می‌آورد، تحت سلطه و اختیار خود دارد. به موجب قانون سال ۱۸۸۲، تئوری تفکیک اموال زوجین پذیرفته شد و علت آن را باید در هیجانات عمومی مردم و جهت یابی افکار جامعه به سمت برابر دانستن حقوق زن و مرد بدانیم. آنها معتقد بودند که پذیرش این برابری به عدالت و انصاف نزدیک تر است. مادام که زن از حق نفقه مقرر در کامن لا برخوردار بود نمایندگی به قوت خود باقی می‌ماند و مغازه دار می‌توانست در صورت

اطمینان از اینکه زن از حق نفقه محروم نشده است، بدان استناد کند و همین کافی بود تا به حق خود در برابر شوهر برسد.

پس در در نظام کامن لا همانگونه که اشاره شد زن هیچ وظیفه‌ای در قبال حمایت مالی شوهرش نداشت اما در سال ۱۹۴۸ میلادی قانونی تصویب شد که طبق این قانون زن و شوهر هر دو در برابر تامین مخارج زندگی مسئولند. حقوق زن شوهردار بر اموال مشترک زندگی زناشویی از «قانون مالکیت زن شوهر دار» مصوب اواخر سده نوزدهم و قانون مالکیت و فرایند زناشویی در سال ۱۸۷۰ م منتج می‌شود. زن و شوهر با این قانون، در حد امکان خود، همیاری را به یکدیگر مدیون هستند (۱۴). نمایندگی زن در خرید مایحتاج نیز، در اوضاع و احوالی که وی فاقد اهلیت لازم برای تملک یا معامله‌ی مال بود، اهمیت بسزایی داشت. اما هر دوی این محجوریت ها به موجب قانون مالکیت زن شوهر دار ۱۸۸۲، بر طرف گردید و در اواخر قرن نوزدهم زن می‌توانست، نه تنها از محاکم عالی بلکه از محاکم تالی که سرعت عملشان زیاد بود، حکم الزام شوهر به تامین نفقه اش را تحصیل نماید.

با اینکه از سال ۱۹۶۰، احکام تامین نفقه فقط علیه شوهر صورت نمی‌گیرد و در برخی شرایط خاص، ممکن است زن ملزم به تامین نفقه شوهر و فرزندان گردد (۱۵). و این موضوع در قوانین متعددی مورد تاکید قرار گرفته است (۱۶). اما از آنجا که مرد به طور سستی به عنوان نان آور تلقی می‌شده است و حتی امروزه نیز نفقه به عنوان یک تکلیف متقابل و تعهد دو جانبه‌ای که زوجین در برابر یکدیگر داشته باشند محسوب نمی‌گردد و وظیفه‌ی زن به تامین نفقه شوهر، استثناء بر اصل و منوط به نص قانون و یا حکم قضایی می‌باشد.

امروزه در حقوق انگلستان همان طور که شوهر ملزم به تأمین مخارج زندگی می‌باشد، متقابلا اختیار تعیین شیوه‌ی و نوع زندگی و همچنین نحوه‌ی اداره‌ی خانواده را بر عهده دارد. به بیان دیگر در مقابل تکلیفی که در ذمه‌ی شوهر است، حق تعیین شیوه‌ی زندگی و استاندارد های قابل قبول جاری در داخل خانه در ارتباط با مسائل گوناگون به عهده‌ی او می‌باشد (۱۴). در حقوق انگلیس در صورتی که مرد ورشکسته شود به موجب قانون موضوعه، محاکم می‌توانند احکام مقتضی را در این خصوص صادر کنند. ورشکستگی هر چند ممکن است قدرت استطاعت شوهر را در تامین نفقه محدود سازد، اما هرگز وی را از ایفای چنین نقشی معاف نمی‌سازد (۱۸).

امین منصوب دادگاه که کلیه اموال و دارایی های ورشکسته در اختیار وی قرار دارد می‌تواند خرجی لازم برای تکفل ورشکسته و خانواده اش را از محل این اموال منظور نماید و امین ورشکستگی نیز در صورتی که اجازه کمیسیون تحقیق را داشته باشد، از این اختیار بر خوردار است. بعلاوه خود ورشکسته نیز می‌تواند در آمد شخصی خویش را تا حد لازم برای این منظور اختصاص دهد (۱۸).

در اینکه آیا تعهد شوهر به نفقه در حقوق انگلستان مقدم بر سایر دیون تجاری وی است و اینکه آیا زن می‌تواند با حکمی راجع به نفقه در ورشکستگی شوهر ادعا نماید یا خیر، رویه‌ی ثابتی وجود ندارد؛ زیرا زوجین ممکن است با تبانی یکدیگر حقوق بستانکاران شوهر را ضایع و

آنان را با ناکامی مواجه سازند. از این رو به عنوان یک قاعده کلی ادعای زن نسبت به نفقه تابع ادعای بستانکاران شوهر است. به طوری که مثلاً حکمی که راجع به نفقه ایام گذشته باشد در ورشکستگی قابل مطالبه نیست.

در توجیه این قاعده که با سیاست و خط مشی اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند، گفته می‌شود که ازدواج یک مشارکت است و به هیچیک از شرکاء نباید اجازه داد که علیه دیگری، ادعائی نماید؛ مگر اینکه کلیه دیون شریک دیگر پرداخت شده باشد. اما این استدلال، به دلیل خلط بین مشارکت اجتماعی ازدواج و مشارکت تجاری بین افراد مورد انتقاد واقع شده است.

در صورت عجز و امتناع شوهر از پرداخت نفقه در حقوق انگلیس چنانچه شوهر به دلایلی از ادای نفقه ناتوان گردد، به طوری که امکان ادامه ی زندگی مشترک برای زن میسر نباشد، در این صورت وی می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق نماید.

در صورتی که شوهر به واسطه ی اختلال مشاعر نتواند از عهده ی اداره ی اموال خویش و امور مربوط به نفقه برآید، در این صورت، دادگاه صالح از اختیار لازم در صدور احکام و ترتیبات مقتضی به نحوی که چنین وضعی را جبران نماید، بر خوردار می‌باشد علاوه بر این برای این منظور دادگاه می‌تواند از اموال شوهر مصالحه و یا هبه ای را به نفع زن انجام دهد.

همانطور که قبلاً هم گفتیم در قوانین انگلستان مواردی پیش بینی شده است که زن تحت شرایطی موظف به پرداخت نفقه شوهرش می‌باشد، از آن جمله است قانون دعای و مالکیت راجع به ازدواج ۱۹۷۰ که به موجب آن چنانچه شوهر به واسطه ی کهولت، بیماری و یا ناتوانی، از تحصیل در آمد عاجز و زن از وضع مالی خوب بر خوردار باشد، دادگاه می‌تواند زن را ملزم نماید تا پرداخت هایی را از بابت نفقه شوهر صورت دهد. البته باید توجه داشت که در حال حاضر تعهد شوهر به تامین نفقه، الزامی است و وضع مالی زن هیچگونه تاثیری در این تعهد و میزان آن ندارد. از این رو در صورت قصور عمدی، علاوه بر حق مطالبه ی طلاق توسط زن، تحت شرایطی، محاکم طبق قوانین موضوعه، از اختبارات لازم جهت صدور حکم تامین نفقه و الزام شوهر به انجام آن در اشکال گوناگون بر خوردار گردیده‌اند (۱۸).

دادگاههای انگلستان، در زمان فسخ و بطلان ازدواج و زمان تفریق جسمانی و طلاق، شوهر را اجبار به پرداخت نفقه زوجه می‌کنند. در سال ۱۹۶۸ به دادگاههای ماجستریت انگلیس اجازه داده شد که نرخ نفقه را به طور هفتگی تعیین کنند.

و همچنین قانون مدنی نیویورک (ماده ۶) به زن مطلقه ای که شوهرش نفقه او را پرداخت نمی‌کند، اجازه داده است تا ازدواج مجدد نماید. در نظام حقوقی کامن لا تعیین نفقه پس از جدایی یا طلاق به دو طریق صورت می‌گیرد.

۱. نوشتن توافقنامه توسط زوجین در مورد نفقه، تقسیم اموال، حمایت مالی فرزندان و حضانت
۲. رجوع به دادگاه.

در صورتیکه زوجین در مورد مسائل یاد شده به توافق برسند، توافقنامه را تحویل دادگاه می‌دهند. این توافقنامه قانونی محسوب شده و قاضی طبق آن حکم صادر می‌کند. در طی مراحل نوشتن توافقنامه زوجین می‌توانند از راهنمایی های وکلا نیز استفاده کنند.

طبق قانون خانواده مصوب سال ۱۹۳۸ اگر یکی از زوجین فوت کند، زوج دیگر مستحق نفقه خواهد بود، این استحقاق در نظام کامن لا مشروط بر این است که ازدواج در طول حیات متوفی به وسیله رأی دادگاه فسخ نشده باشد و طرف باقی مانده، قبل از رأی دادگاه، ازدواج مجددی نکرده باشد. حکم نفقه در انگلیس، با مرگ طرف باقی مانده و یا ازدواج مجدد وی خاتمه می‌یابد.

شرط دیگری که در نظام حقوقی کامن لا برای دریافت نفقه مطرح شده است این است که در برخی از ایالات آمریکا سوء رفتار و تقصیری که بر مبنای آن حکم طلاق صادر شده است از عوامل مؤثر در تعیین نفقه محسوب می‌شود، (در اکثر ایالات این عامل در نظر گرفته نمی‌شود) ایالاتی مانند فلوریدا، تگزاس، جورجیا و کارولینای شمالی از این دسته هستند.

ایالات کالیفرنیا، نیوجرسی، ایلینویز، اهایو، نیویورک و میشیگان، ایالاتی هستند که سوء رفتار و تقصیر زوجین در امر طلاق را در پرداخت نفقه مؤثر نمی‌دانند.

همچنین عواملی دیگری از سوی دادگاه در پرداخت نفقه در نظر گرفته می‌شود این عوامل عبارتند از:

۱. زوجی که از او درخواست نفقه شده است، در طی دو سال قبل از تقدیم درخواست طلاق به دادگاه به ایجاد خشونت در خانواده محکوم شده باشد.
 ۲. حداقل طول مدت ازدواج ده سال باشد.
 ۳. منابع مالی زوجین، توانایی آنها در تامین نیازهای روزانه بدون وابستگی به زوج دیگر.
 ۴. سهمی که هر یک از آنها در کسب تحصیلات، تعلیمات یا افزایش در آمد زوج دیگر داشته است، همچنین سهمی که هر یک از آنها در انجام کارهای خانه داشته‌اند.
- به عنوان مثال در ایالت کالیفرنیا نفقه همسر بعد از جدایی و قبل از صدور حکم طلاق، در صورتیکه دو همسر به قصد طلاق از یکدیگر جدا شده باشند (ماده ۴۳۰۲ قانون خانواده) طبق فرمول ۴۰-۵۰٪ محاسبه می‌شود. به این ترتیب که دادگاه در آمد زن و شوهر را بررسی می‌کند و معادل ۵۰٪ از درآمد همسر کم درآمد را از ۴۰٪ در آمد همسر پر در آمد کسر کرده، تفاوت این دو نفقه همسر است (۱۰).

• تعیین محل سکونت خانواده در حقوق کامن لا

در حقوق انگلستان زن و مرد در انتخاب محل سکونت از حق یکسانی بر خوردار هستند و همسران حتی می‌توانند به صورت جداگانه زندگی کنند...

«اقامتگاه در حقوق انگلستان مفهومی است ممتاز از تابعیت؛ به این نحو که ممکن است فردی تبعه ی انگلیسی باشد و در عین حال، برای مثال

مسکونی زوجین است، اطلاع حاصل نماید، مشکلاتی وجود دارد و علاوه حد و مرز مشخصی نیز برای منزل مسکونی زوجین وجود ندارد؛ مثلاً در مورد منزلی که هم برای مقاصد تجاری به کار می‌رود و هم منزل مسکونی مشترک زوجین است، آیا در چار چوب تعریف منزل مسکونی می‌گنجد یا خیر، این مسئله موجب بروز مشکلاتی می‌شود. برای غلبه بر مشکل نخست، قانون منازل مسکونی زوجین راه حلی ارائه داده است و آن این است که در هر سندی منعکس شود که آیا باید به عنوان منزل مسکونی زن و شوهر قرار گیرد یا خیر. با وجود این روش فوق گاه نمی‌تواند هیچ حمایتی از زن بنماید. مثلاً در موردی که شوهر قبل از ازدواج اقدام به فروش خانه نماید و یا به مشاورین حقوقی اس دروغ بگوید.

ب- سیستمی که در قسمت‌هایی از امریکا معمول است و علاوه بر ممنوعیت فروش آن توسط یکی، بدون رضایت دیگری، از اخراج زن به وسیله بستانکاران شوهر نیز ممانعت به عمل می‌آید، سیستم مورد بحث، به موجب قوانین موضوعه استقرار یافته است.

ج- فرض مالکیت، که طبق آن، فرض بر این است که منزل مسکونی مشترک به هر دوس زوجین تعلق دارد؛ اما این فرض با اقامه می‌دلیل قابل رد می‌باشد و علاوه در اینکه حقوق زن تا چه حدی و در چه شرایطی برای اشخاص ثالث الزام آور است، پیچیدگی‌هایی وجود دارد. د: مالکیت مشترک منزل مسکونی، که به موجب آن منزل مسکونی به طور مشترک در مالکیت زن و شوهر خواهد بود؛ مگر اینکه طرفین به گونه‌ای دیگر توافق نموده باشند.

هر چند رژیم تفکیک دارایی، استقلال مالی را به هر یک از زوجین اعطا می‌نماید و از سیستم اشتراک دارایی مرجح است، مع هذا از جمله عیوب آن این است که در صورت انحلال ازدواج، در خصوص چگونگی تقسیم سود خالص ساکت است. مگر اینکه زوجین اقلامی از اموال خود را تحت مالکیت مشترک قرار دهند. به همین علت در بسیاری از کشورها تمایل به رژیم‌های جدیدی بوده است که نه تنها استقلال انجام معاملات را به زن و شوهر اعطا کند، بلکه قواعدی را برای تقسیم دارایی خالص در صورت انحلال ازدواج، پیش بینی کند.

• حضانت در حقوق کامن‌لا

مسئولیت حضانت و سرپرستی در حقوق کانادا شامل نگهداری جسمی و روحی و تربیت و نیز مدیریت امور مالی و حقوقی وی می‌شود. پدر و مادر از زمان تولد نسبت به کودک مسئولیت پدر و مادر دارند و اگر نگهداری و تربیت اطفال آنان خارج از عرف و اخلاق باشد دادگاه دخالت می‌نماید. چیزی که می‌توان گفت، وسیع است و به نوعی با حق ولایت و قیمومت طفل در هم آمیخته است (۲۱). در مورد عدم توافق والدین در حضانت کودکان در حقوق کانادا می‌توان موارد ذیل را بیان نمود:

گاهی اوقات هر دو طرف (زن و شوهر) خواستار حق حضانت کودک (کودکان) هستند و در این موارد معمولاً تصمیم‌گیری در مورد کسی که حق دارد حضانت یا تربیت و نگهداری کودک را پس از طلاق به

در فرانسه اقامتگاه داشته باشد. به موجب حقوق انگلیس، مفهوم اقامتگاه متضمن دو رکن است: ۱) اقامت واقعی، ۲) قصد اقامت، یعنی قصد ماندن در آن مکان یا کشور. هر گاه این دو رکن با هم وجود داشته باشد گفته می‌شود که یک شخص در آن کشور، دارای اقامتگاه است. در حالی که تابعیت به یک رابطه‌ی سیاسی اشاره دارد که بین فرد و دولتی که فرد نسبت به آن مأخوذ به وفاداری است، وجود دارد... (۱۹). به موجب حقوق انگلیس این یک قاعده‌ی انکار ناپذیر است که:

۱. هر فردی باید یک اقامتگاه داشته باشد.

۲. هیچ فردی نمی‌تواند دارای بیش از یک اقامتگاه باشد.

در حقوق این کشور سه نوع اقامتگاه وجود دارد:

یک- اقامتگاه اصلی

این اقامتگاه به محض تولد به شخص منتسب می‌شود. فرزند مشروع، اقامتگاه پدرش را می‌گیرد و فرزند نامشروع، اقامتگاه مادرش را. کودک سرراهی (کودک رها شده‌ای که والدینش معلوم نیستند) اقامتگاه مکانی را می‌گیرد که در آنجا یافت شده است. اقامتگاه اصلی را نمی‌توان به طور کامل از دست داد یا بی‌اثر کرد. اگر فردی که « اقامتگاه انتخابی» دارد، اقامتگاه فعلی‌اش را ترک کند، اقامتگاه اصلی-اش جان می‌گیرد و تا زمانی که اقامتگاهی دیگر تحصیل کند، به او پیوسته می‌شود.

دو- اقامتگاه انتخابی

اگر فرد بالغ و دارای اهلیت، محل سکونتش را با این قصد که همواره در کشوری خاص بماند، در آن کشور مستقر سازد (و چنان کشوری با اقامتگاه سابقش متفاوت باشد) او به عنوان تحصیل کننده اقامتگاه انتخابی تلقی می‌شود.

سه- اقامتگاه افراد غیر مستقل:

۱. صغیر اقامتگاه والدینش را می‌گیرد، مانند مورد اول فوق. اگر زوجین از هم جدا شده باشند و کودک با مادرش به سر ببرد، به جای اقامتگاه پدرش، اقامتگاه مادرش را می‌گیرد؛

۲. زنی که تاهل اختیار می‌کند، معمولاً به محض ازدواج، اقامتگاه همسرش را کسب می‌کند.

با وجود این، به موجب قانون اقامتگاه و دعاوی زناشویی، مصوب ۱۹۷۳م. یک زن متاهل امروزه حق دارد اقامتگاهی مستقل از اقامتگاه همسرش اختیار کند (۱۵). این قانون موضوعه همچنین مقرر می‌دارد فردی که به شانزده سالگی می‌رسد می‌تواند اقامتگاهی مستقل (از والدینش) اختیار کند. تصویب قانون منازل مسکونی زوجین (۱۹۹۷)، و اصلاح آن در سال ۱۹۸۳، که از حقوق تصرف و اسکان زن در منزل مسکونی متعلق به شوهر، در مقال اشخاص ثالث، حمایت به عمل می‌آورد، در راستای چنین طرز تفکری است. در حقوق انگلیس چهار پیشنهاد عمده در رابطه با منزل مسکونی صورت گرفته است که به شرح زیر می‌باشد (۲۰). الف- سیستم منع معامله، که اختیار شوهر را در فروش و یا معامله منزل مسکونی ای که سر پناه زن است، جز با تحصیل رضایت وی، محدود می‌سازد، معذالک در اینکه خریدار چگونه می‌تواند، از این واقعیت که آنچه مورد معامله قرار می‌گیرد، منزل

عهده داشته باشد، آسان نیست. اگر والدین در مورد سرپرستی و حضانت کودک به توافق نرسند قاضی دادگاه بر پایه اصول زیر در این مورد تصمیم گیری می کند:

- ۱- تامین حداکثر مصالح و علائق کودک همواره در اولویت است.
- ۲- کودک باید تا آنجا که مصالح و علائق وی اجازه می دهد هم با پدر و هم با مادر خود تماس و ارتباط داشته باشد.
- ۳- رفتار قبلی یکی از والدین توسط دادگاه نمی تواند مورد توجه قرار بگیرد مگر اینکه رفتار مذکور بر توانایی فرد جهت ایفای نقش پدری یا مادری تاثیر گذار باشد (۲۲). باید گفت؛ تامین حداکثر مصالح و علائق کودک همواره در اولویت است. معمولاً دادگاه به خواسته کودکان نیز توجه خواهد کرد؛ به خصوص اگر نوجوان باشند. قاضی برای تشخیص حداکثر مصالح و علائق کودک برخی از عوامل از جمله موارد زیر را مد نظر قرار می دهد:

۱. نحوه نگهداری از کودک قبل از جدایی (کدام یک از والدین در بیشتر مواقع نگهداری کودک را بر عهده داشته‌اند؟ کدام یک کودک را به دکتر و دندانپزشک می‌برده است؟ چه کسی با معلمان و مدرسه کودک در ارتباط بوده؟ ...)
۲. رابطه والد - فرزندی و قیود مربوط به آن
۳. برخورداری از قابلیت‌ها و شایستگی‌های مادری یا پدری
۴. سلامت جسمانی، احساسی و روانی والدین
۵. زمانبندی‌های روزمره و برنامه ریزی‌های مربوط به کودک و والدینش
۶. سیستم‌های حمایتی (برای نمونه کمک و حمایت پدر بزرگ، مادر بزرگ و سایر خویشاوندان)
۷. مسائل مرتبط با روابط خواهر و برادری (معمولاً خواهران و برادران باید در کنار هم زندگی کنند، اما در برخی موارد ممکن است با جدایی آنها موافقت شود) (۱۹). آرزوها و علائق کودک (سن مشخصی که کودک در آن سن حق انتخاب مادر یا پدر برای سرپرستی و تربیت خود را داشته باشد وجود ندارد. متناسب با سن کودک دادگاه وزن بیشتری را به آرزو و خواسته کودک اختصاص می دهد. معمولاً خواسته و نظر فرزندان نوجوان مورد پذیرش دادگاه نیز قرار می گیرد) (۲۳).
۸. هریک از والدین برای مراقبت و تربیت کودک چه طرح و برنامه‌هایی را در نظر دارند؟

آیین‌نامه‌ی طلاق، بر این اصل نیز پرداخته که دادگاه مراقبت و نگهداری از کودک را به شخص ثالثی همچون پدر بزرگ و مادر بزرگ و سایر بستگان زن و شوهر، محول کند. این شرایط در مواقعی بروز می کند که شخص ثالث بتواند از عهده‌ی تربیت و بزرگ کردن کودک بر آمده و بتواند ایفا کننده نقش والدین برای کودک باشد. همچنین مادامی که دادگاه در حال تصمیم گیری درباره تدارکات سرپرستی نهایی است، ممکن است حکم سرپرستی موقت را برای یکی از والدین صادر کند.

این تدارکات تا زمانی که دادگاه حکم سرپرستی نهایی را صادر کند، بقوت خود باقی خواهد بود. سرپرستی موقت مهم است، زیرا دادگاه معمولاً مایل است تدارکات فعلی نتیجه بخش را برای کودک ادامه دهد. فوت متصدی حضانت، جنون وی در ادامه‌ی مسئولیت و وجود شرایطی که رفاه و مصلحت جسمی و روحی کودک را در معرض تهدید قرار دهد باعث سلب حضانت از دارنده‌ی آن می‌شود (۲۴). دادگاه‌های خانواده اختیار دارند هر زمان که بر اساس مدارک قانونی تشخیص دهند، والدین مبادرت به آزار جسمی یا روحی فرزند می کنند، حق حضانت آنها را باطل کنند. در اینصورت تا زمان بررسی قطعی مدارک و صدور حکم، کودکی تحت حمایت افرادی که دادگاه تعیین می کند قرار می گیرد.

همانطور که اشاره شد مدارکی که دادگاه بر اساس آن دستور ابطال حق حضانت را صادر می کند باید کاملاً واضح، روشن و قابل قبول باشد در غیر اینصورت حق حضانت باطل نمی شود. بعنوان مثال زمانی که اداره خدمات اجتماعی نیویورک دادگاه را مطلع ساخت که خانواده سنتوسکی نسبت به سه فرزند خود بی توجه هستند، پس از بررسی مدارک دادگاه عالی ایالتی تشخیص داد که مدارک ارائه شده کافی نیست و نمی توان بر اساس این مدارک در مورد آینده این خانواده تصمیم گرفت (۲۵). یکی از موارد ابطال حق حضانت توسط دادگاه عبارت است از:

تغییر دادن محل سکونت کودک بدون اطلاع پدر یا مادری که حضانت فیزیکی به او واگذار نشده است زمانی که دادگاه حکم حضانت مشترک را صادر می کند، پدر یا مادری که حضانت فیزیکی به او واگذار نشده است، علاوه بر اینکه از نظر قانونی حق ملاقات دارد باید از هر گونه تغییر مکان کودک نیز مطلع شود، بنابراین اگر طرف مقابل بدون اطلاع محل اقامت کودک را تغییر دهد یا او را از کشور خارج کند، از نظر قانون مجرم شناخته می شود.

در ذیل چند نمونه از آراء دادگاه‌های خانواده ایالات متحده آمریکا در رابطه با حضانت در ذیل بیان می گردد (۲۶): ۱- مجلس اخیراً اصلاحیه‌ای را در رابطه با قوانین حضانت تصویب کرده است. موضوع این اصلاحیه رسیدگی به حضانت فرزندان افرادی است که برای خدمت به کشورشان به ارتش ملحق می شوند. اغلب این افراد پس از بازگشت به خانه حق حضانت فرزندان را به خاطر غیبت طولانی از دست می دهند. طبق این قانون تکلیف حضانت فرزندان این افراد قبل از شرکت در جنگ مشخص می شود.

۲- آزار دادن کودک از نظر جسمی و روانی اتهامی است که گاه منجر به ابطال حق حضانت می شود. در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ دادگاه حضانت پسر بچه ۶ ساله‌ای را به علت فوت مادرش، بطور مشترک به پدر و مادر بزرگش واگذار کرد. زمانی که کودک به علت تب شدید توسط مادر بزرگش در بیمارستان بستری شد، پزشک معالج متوجه آثار کبودی در پشت کودک شد و این مطلب را به اداره خدمات اجتماعی گزارش داد.

قاضی دادگاه خانواده با توجه به مدارک، حضانت مشترک را با شرط عدم آزار رساندن پدر به کودکی به پدر و مادر بزرگ واگذار کرد. این در حالی است که مادر بزرگ اصرار دارد ارتباط کودک با پدرش به نفع او



ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

نیست. به همین علت رسیدگی کامل به پرونده به جلسه بعدی دادگاه موکول شد. (طبق اظهارات کودک، پدرش به علت اینکه او رختخوابش را خیس می کند، او را تنبیه می کند).

نتیجه گیری

در روابط زوجین هر یک از طرفین به موجب رابطه‌ی قراردادی ناشی از عقد نکاح، وظایف و تعهداتی نسبت به طرف دیگر پیدا می کنند که در صورت تخلف از آن به ضمانت اجرای مقرر در قانون محکوم می گردند. اما در روابط بین زوجین گاه مواردی پیش می آید که از رفتار یا گفتار یکی از طرفین ضرری ناروا به طرف دیگر وارد می شود اما به موجب هیچ یک از ضمانت اجرای مقرر در این خصوص با شرایط ضمن عقد نکاح جبران چنین خسارتی امکان پذیر نمی باشد. با توجه به پژوهش باید گفت؛ در حقوق کامن‌لا موارد نقض اخلاق و سوء استفاده از حق در حقوق خانواده با توجه به تساوی نسبی زن و مرد در قوانین این کشور به ندرت اتفاق می افتد با این حال در قوانین کامن‌لا چندان به وضعیت جسمی و روحی زنان توجه نشده و در برخی موارد به جای بهای دادن به زنان امکان پایمال ساختن حقوق انسانی آن‌ها را فراهم گردیده است.

واژه نامه

1. Marriage	نکاح
2. Absolute right	حق مطلق
3. Ethics	اخلاق
4. Family right	حقوق خانواده
5. Common law	حقوق کامن لا
6. Abuse of right	سوء استفاده از حق
7. Fraud theory	نظریه تقلب
8. Decoy case	قصد اضرار
9. Divorce	طلاق
10. Alimony payment	پرداخت نفقه
11. Divorce treatment	طلاق درمان
12. Mental illness	بیماری روانی
13. Legal guardian	سرپرست قانونی
14. Scam	کلاهبرداری
15. Impotence	ناتوانی جنسی

References

- Shayanfar N. Abuse of rights in marital relations. 1st ed. Iran/Tehran: Arshadan Institute. 2018. (In Persian).
- Katouzian N. Abuse of the right or fault in the implementation of the right. Journal of Law and Political Science, 1979; 21(2). (In Persian).
- Shahidi M. Violation of the right. Legal Research Quarterly, 2001; 4(129). (In Persian).
- Katouzian N. Obligations outside the contract. 3rd ed. Iran/Tehran: Ganje Danesh Publication. 2015. (In Persian).
- Bahrami Ahmadi H. Abuse of right. 2nd ed. Iran/Tehran: Ettelaat Institute. 2016. (In Persian).
- Madih A, Rahmat MR, Arzhang A. Favorable social and moral consequences of organized crime management in society. Int. J. Ethics Soc., 2023; 5 (2): 9-17. DOI: [10.22034/5.2.13](https://doi.org/10.22034/5.2.13)
- Karami Moghadam R, Parvin K. The importance of ethics and security in securing citizenship rights from the perspective of judicial law. Ethics in Science and Technology 2023; 18 (1): 16-22. Dor: [10.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1402.18.1.3.0)
- Bitaneh M, Zonooz M, Masjhadi E. Ethics in international conflict: the nature and effects of humanitarian rights on women and children. Ethics in Science and Technology, 2023; 17 (4): 9-16. Dor: [10.1001.1.22517634.1401.17.4.2.8](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.4.2.8)
- Karbas Foroosh G, Varvaei A, Tavasolizadeh T. Victims' law seen from the perspective of fair trial and ethics in the criminal procedure code of 2013 and the international criminal court statute. Ethics in Science and Technology 2020; 15 (3): 20-25. Dor: [20.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4)
- Hajian A. Divorce in California. 1st ed. Iran/Tehran: Book Company Publication. 2000. (In Persian).
- Sanga S. Choice of law: an empirical analysis. Journal of Empirical Legal Studies, 2014; 11(4). DOI: [10.1111/jels.12059](https://doi.org/10.1111/jels.12059)
- Bromley PM, Lowe NV. Bromley's family law. 8th ed. London: Butterworth's. 1992. DOI: <https://doi.org/10.1093/he/9780198806691.001.0001>
- Miller JG. Family property after Wachtel. common law world review, 1977; 6(1): 54-84. DOI: <https://doi.org/10.1177/147377957700600105>
- Nay S. Woman right from beginning to now. Tranlated by Khorsand G. 1st ed. Tehran: Amirkabir Publication. 2001. (In Persian).
- Padfield CF. Law made simple. 7th ed. Oxford: Made Simple Books. 1989. DOI: <https://doi.org/10.4324/9780080549927>
- Martin EA. A concise dictionary of law. 2nd ed. London: Oxford University Press. (1990).

17. Arshadi A. Spouse maintenance in Iran, England and India law. 1st ed. Tehran: Bustan Publication. 2000. (In Persian).
18. Safaei H. Essays on civil rights and comparative law. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. 2013. (In Persian).
19. Beigzadeh S. English law in simple language. 1st ed. Tehran: Hoghooghdaan Publication. 1998. (In Persian).
20. Cretney SM. Family law. 4th ed. London: Sweet & Maxwell Ltd. 2000.
21. Silver C. Family autonomy and the charter of rights, protecting parental liberty in a child-centered legal system. 1st ed. Ottawa: Wiley. 1995.
22. Burton F. Family law. 1st ed. London: Routledge. 2012.
23. Kronby M. Canadian family law. 9th ed. Canada: Wiley. 2006
24. Ryan F, Justice W. Divorce, law reform commission of Canada. Canada Ontario. 2004.
25. Lee K, Thue M. Unpacking the package theory: why california's statutory scheme for terminating parental rights in dependent child proceedings violates the due process rights of parents as defined by the United States Supreme Court in Santosky v. Kramer. UC Davis Journal of Juvenile Law & Policy, 2009; 13 (1): 143–200
26. Byrd S. Learning from the past: why termination of a non-citizen parent's rights should not be based on the child's best interest. University of Miami Law Review, 2013; 68 (1): 323. Available at: <https://repository.law.miami.edu/umlr/vol68/iss1/11>.